

راهبردهای افزایش مشارکت مردمی در ارتقاء شاخص‌های زیست محیطی نواحی روستایی (مطالعه موردی: دهستان‌های بخش مرکزی ملارد)

سیمین ارماغان^۱

استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد یادگار حضرت امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۹/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۱

چکیده

معضلات و چالش‌های زیست محیطی موجود در روستاهای کشور ضرورت و اهمیت ارتقاء شاخص‌های زیست محیطی قبل از هر گونه برنامه‌ریزی را بسیار ضروری ساخته است. با توجه به اهمیت مشارکت مردمی در ارتقاء شاخص‌های توسعه به ویژه بعد زیست محیطی (طبیعی) در مناطق روستایی، تحقیق حاضر سعی دارد راهبردهای مشارکت ساکنین را برای ارتقاء شاخص‌های زیست محیطی روستا در دهستان‌های بخش مرکزی ملارد شناسایی و به اولویت‌بندی آن‌ها پردازد. سؤال اصلی مقاله این است که چگونه می‌توان زمینه مشارکت ساکنین نواحی روستایی دهستان‌های بخش مرکزی ملارد را برای بهبود شاخص‌های زیست محیطی فراهم نمود؟ و اینکه راهبردهای اولویت‌دار برای افزایش مشارکت مردمی در بهبود محیط‌زیست نواحی روستایی دهستان‌های بخش مرکزی ملارد کدامند؟ تحقیق حاضر کاربردی است و به روش توصیفی - پیمایشی انجام شده است. روش گردآوری داده‌ها، میدانی و با استفاده از پرسشنامه است و با مدل SWOT و آزمون T به سؤالات پاسخ داده شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین تمرکز صنایع فعال در دهستان‌های بخش مرکزی ملارد بوده که ۲۵/۹۲ درصد از کل واحدها را به خود اختصاص داده است، علاوه بر این مشکلات زیست محیطی ناشی از تولید زباله‌های خانگی، فضولات حیوانی مانند دیگر روستاهای کشور گریبان گیر این دهستان است. در بین عوامل درونی و بیرونی مؤثر، عامل O₆ (آموزش و اطلاع‌رسانی به روستائیان) با مجموع امتیاز نهایی ۰/۲۶۵۸ در اولویت اول قرار دارد. این در حالی است که عامل T₇ (تغییر الگوی مصرف) با مجموع امتیاز نهایی ۰/۰۱۶۹ کمترین میزان تأثیر را در افزایش مشارکت مردمی دهستان‌های بخش مرکزی ملارد در راستای ارتقای زیست محیطی به خود اختصاص داده است. موقعیت قرارگیری عوامل درونی و بیرونی در ماتریس ۹ خانه‌ای نشان می‌دهد که باید برای ارتقای وضعیت زیست محیطی راهبردهای تهاجمی را مورد توجه و در اولویت اول قرار داد.

واژگان کلیدی: مشارکت مردمی، نواحی روستایی، شاخص‌های زیست محیطی، دهستان ملارد.

مقدمه

محیط‌زیست از ارزشمندترین منابع حیاتی موجود محسوب می‌گردند که امروزه به شدت در معرض تخریب و نابودی قرار گرفته است. بر اساس رده‌بندی اتحادیه جهانی حفاظت از منابع طبیعی کشور ایران به لحاظ دارا بودن سطح جنگل در بین ۵۶ کشور رتبه ۴۵ را دارد که نشان می‌دهد به لحاظ منابع جنگلی به عنوان کشوری با پوشش کم جنگلی (سطح کمتر از ۱۰ درصد مساحت کشور) محسوب می‌گردد و از نظر سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد^۱ هر کشوری که کمتر از ۲۵ درصد خاک آن جنگل باشد از نظر زیست‌محیطی وضعیت بحرانی در آن کشور حاکم است. در گذشته نه چندان دور ۳۰ درصد خاک کشور را جنگل می‌پوشاند اما امروزه حدود ۱۲ میلیون هکتار جنگل داریم که این سطح حدود ۳/۷ درصد سطح کل کشور را دربرمی‌گیرد. چنانچه روند تخریب قبلی جنگل‌های کشور با همین سرعت ادامه یابد می‌توان تصور نمود در ۳۰ الی ۴۰ سال آینده جنگل‌های کشور از دست خواهند رفت. نابودی جنگل‌ها یک امر فاجعه انگیز، هولناک و دردناک برای محیط‌زیست کشور است. در سال ۸۲ جایگاه کشورمان از نظر شاخص پایداری محیط‌زیست^۲ در بین ۱۴۲ کشور با کسب نمره ۵/۴۴ در رتبه ۱۰۴ یعنی پایین‌تر از کشورهای مثل سودان، چاد، بنگلادش، آنگولا و قرقیزستان^۳ قرار دارد و در کنار کشوری مانند بوركینافاسو ارزیابی می‌شود در این ارزیابی فنلاند با نمره ۹/۷۳ در صدر جدول از پایدارترین وضعیت زیست‌محیطی برخوردار است (Saeedabadi et al., 2017: 213).

در سال‌های اخیر، بحران زیست‌محیطی را با هیچ مشکل جهانی دیگر نمی‌توان مقایسه کرد. در واقع تاکنون هیچ مشکلی این چنین بر تمام مسائل عصر و سیاره ما، اثرگذار نبوده است (Mohammadi Ashenaei & et.al, 2008: 1). بدون شک بحران‌های زیست‌محیطی معاصر، زاینده اندیشه‌های مادی‌نگر، توسعه طلب، سلطه جو و پیامد ناگوار اشتباه سیری‌ناپذیر رهبران سیاسی، مدیران اقتصادی و در یک کلام معلول کژاندیشی یا جهالت عملی انسان در جهان است (Golshiri Isfahani & Sarai, 2010: 74). مناطق روستایی به‌منظور تأمین معیشت و نیازهای خود، وابستگی بالایی به منابع طبیعی دارند؛ بنابراین پایداری زیست‌محیطی این مناطق در تحقق اهداف توسعه ملی به‌منظور مقابله با بیابان‌زایی و خطرهای ناشی از خشک‌سالی‌ها، مقابله با فرسایش و تخریب خاک، حفظ و نگهداری منابع طبیعی و نیز خرده اقلیم‌ها، حائز اهمیت می‌باشد (Ibid., 2000: 75). این در حالی است که محیط‌زیست روستاهای کشور با تهدیدات شدیدی از قبیل گسترش بیابان، تخریب جنگل‌ها و مراتع، تغییر کاربری اراضی زراعی، پایین رفتن سطح سفره‌های آب زیر زمین، رانش زمین و غیره مواجه‌اند (Gravandy et al., 2011: 68). با توجه به معضلات موجود در روستاهای کشور و چالش‌های زیست‌محیطی که بدان اشاره گردید، ضرورت و اهمیت ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی در نواحی روستایی قبل از هر گونه برنامه‌ریزی آشکار است. یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه شاخص‌های زیست‌محیطی، اجتماعی - اقتصادی یک جامعه به ویژه در جوامع روستایی نقش و

¹. FAO

². ESI

³. Sudan, Chad, Bangladesh, Angola and Kyrgyzstan

حضور فعالانه مردم در کارها و فعالیت‌های مربوط به روستای خود است. بدون همیاری و مشارکت مردم، توسعه مفهومی نخواهد داشت.

مطابق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حفاظت از محیط‌زیست یک وظیفه عمومی تلقی می‌گردد و همه اقشار جامعه در مقابل حفاظت از محیط زیست مسئول‌اند. اطلاع رسانی و آموزش مبانی محیط‌زیست به گروه‌های هدف و فرهنگ‌سازی حفاظت از محیط‌زیست برای اقشار مختلف جامعه و حساس نمودن افکار عمومی در مقابل این جفای انسان به طبیعت یکی از کارآمدترین روش‌ها برای پیشگیری است. تغییر نگرش و سبک زندگی و تغییر رفتار ما با محیط‌زیست نیز می‌تواند از روند تخریب روزافزون محیط‌زیست بکاهد (Ramezani Ghavam, 2013: 140). با توجه به اهمیت مشارکت مردمی در ارتقاء شاخص‌های توسعه به ویژه بعد زیست‌محیطی (طبیعی)، تحقیق حاضر سعی دارد در دهستان‌های بخش مرکزی ملارد زمینه‌های مشارکت ساکنین را برای ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی نواحی روستایی، شناسایی و به اولویت‌بندی آن‌ها بپردازد.

سؤال اصلی مقاله این است که چگونه می‌توان زمینه مشارکت ساکنین نواحی روستایی دهستان‌های بخش مرکزی ملارد را برای بهبود شاخص‌های زیست‌محیطی فراهم نمود؟ و اینکه راهبردهای اولویت‌دار برای افزایش مشارکت مردمی در بهبود محیط‌زیست نواحی روستایی دهستان‌های بخش مرکزی ملارد کدامند؟ نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین تمرکز صنایع فعال در دهستان‌های بخش مرکزی ملارد بوده که ۲۵/۹۲ درصد از کل واحدها را به خود اختصاص داده است، علاوه بر این مشکلات زیست‌محیطی ناشی از تولید زباله‌های خانگی، فضولات حیوانی مانند دیگر روستاهای کشور گریبان‌گیر این دهستان است. این تحقیق با هدف ارائه راهبردهای مناسب ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی این دهستان با استفاده از مشارکت مردمی جمع‌آوری شده است.

نوع و ماهیت تحقیق از نظر هدف کاربردی است که در پی دستیابی به یک هدف عملی است و تأکید آن بر بررسی عواملی درونی (قوت-ضعف) و عواملی بیرونی (فرصت-تهدید) مشارکت مردمی است که بر بهبود کیفیت زیست‌محیطی نواحی روستایی دهستان‌های بخش مرکزی ملارد مؤثرند. تحقیق به صورت توصیفی و از نوع پیمایشی است که با استفاده از یک پرسش‌نامه (پیمایش) داده‌های مورد نیاز برای بررسی اهداف تحقیق به دست می‌آید.

رویکرد نظری

با شکل‌گیری دولت مدرن در جوامع غربی از قرن شانزدهم میلادی، همواره رابطه بین دولت‌ها و ملت‌ها در این جوامع در کانون توجه اندیشمندان و نظریه‌پردازان قرار داشته و این امر از زوایای مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است و چالش‌های موجود در این زمینه منجر به طرح نظریات مختلفی در خصوص دولت و نیز حدود مداخله آن در امور شهروندان گردیده است. هم‌اکنون ایده‌های جدیدی تحت عنوان نوآفرینی حکومت در حال شکل‌گیری است که الگوی مدیریت دولتی نوین یا مدیریت گرایی یکی از نمودهای اصلی آن است. گرایش به سمت حکومت جامعه مدار (توانمندسازی به جای خدمات‌رسانی) باعث شده است دولتمردان و مدیران دولتی به جای خدمات‌رسانی همانند روال گذشته، بایستی شهروندان و تشکلهای محلی و سازمان‌های اجتماعی آنان را به گونه‌ای

توانمند سازند تا امور مربوط به آن‌ها توسط خود آن‌ها سازماندهی گردیده و از ابتکارات جمعی به عنوان منبعی در جهت حل مشکلات استفاده گردد (Mouzen Jami, 1999: 107).

تحولات ایجاد شده در نظریه دولت موجب گردیده است نظام‌های مدیریت دولتی نیز به تبع آن دگرگون و ارزش‌ها و ساختارهای جدیدی را پذیرا شوند. تحولات اقتصاد کشاورزی و توسعه در جوامع غربی مذکور منجر به کنار زدن دولت‌های رفاه و رشد دیدگاه‌های جدیدی گردید که متکی بر تحدید حیطه مداخله دولت در امور شهروندان و تأکید بر حفظ و رعایت حقوق آن‌ها، واگذاری وظایف به بخش غیردولتی، خصوصی‌سازی، مقررات زدایی، پاسخگویی و نظایر آن بود. از این جهت تحولات رخ داده در زمینه گسترش جامعه مدنی و همچنین تغییرات ایجاد شده در نظریه‌های دولت هر دو موجب تعمیق و گسترش دامنه حضور انواع مختلف مشارکت اجتماعی در برخی جوامع گردید و زمینه مساعدی برای رشد، توسعه و گسترش تشکلهای غیردولتی را فراهم آورد (Montaqemy, 2005: 66).

بررسی تحولات ایجاد شده در زمینه نقش و جایگاه دولت‌ها در جوامع بیانگر آن است که در طول سه ربع اول قرن بیستم دولت اداری در بسیاری از جوامع رشد و توسعه یافته و دامنه و قلمرو فعالیت‌های دولت به میزان قابل توجهی گسترده شده است. برای مثال در دوره پس از جنگ جهانی دوم نیز شاهد توسعه و گسترش نقش فعال دولت و بخش دولتی در ارائه کالاها یا خدمات در کشورهای پیشرفته سرمایه داری، پیشبرد توسعه و فرایند ملت‌سازی در جوامع در حال توسعه و طراحی و اجرای برنامه‌های جامع اقتصادی و اجتماعی در آشورهای سوسیالیستی بوده‌ایم. این دولت‌ها که هم‌اکنون از آنان به عنوان دولت‌های رفاه یاد می‌شود، به تدریج در معرض پاره ای انتقادات قرار گرفتند، به گونه‌ای که با شروع دهه ۱۹۷۰ میلادی این نکته مشخص شد که دوره رشد و توسعه دولت رو به افول گذارده و رویکردهای نئولیبرال به تدریج زمینه مناسبی برای رشد و توسعه پدید آورده است (Delawary, 2003: 24).

نئولیبرالیسم فشار فکری عمده‌ای بود که نیروی محرکه فکری لازم را برای کوچک‌سازی دولت و خصوصی‌سازی تعدادی از وظایف آن فراهم نمود. تفکرات این نحله فکری دولت رفاه را دولتی بی‌کفایت، ناکارآمد، غیر پاسخگو و از این رو ناعادلانه می‌داند. به هر حال تحولات جاری در مدیریت دولتی تحت عنوان طراحی مجدد یا باز مهندسی حکومت، بیانگر یک رویکرد نئولیبرالی مبتنی بر بازار نسبت به حکومت و اداره امور جامعه است. شکل‌گیری چنین رویکرد نئولیبرالی نسبت به حکومت که با تجدید ساختار بخش دولتی در کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری مثل آمریکا و انگلیس به‌ویژه در زمان حکومت ریگان و تاچر^۱ صورت گرفت، به تدریج گسترش یافت و جنبه جهانی به خود گرفت و آثار فراگیری را نیز در سراسر جهان به دنبال داشت (Alavi Tabar, 2006: 43).

باید یادآوری نمود که طی دو دهه گذشته دولت‌های لیبرال بازار مدار جایگزین دولت‌های رفاه در اروپای غربی و آمریکای شمالی، دولت‌های سوسیالیستی در اروپای شرقی و دولت‌های توسعه‌گرا در آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین گردیده‌اند. در چارچوب این رویکرد جدید جهانی، مدیریت دولتی از نظر اهداف، ساختارها، نقش‌ها و

^۱. Reagan and Thatcher

خدمت گیرندگان در معرض تحولات و دگرگونی‌های عمده‌ای قرار گرفته و این دگرگونی‌ها موجب حرکت و توجه دولت‌ها به سوی کارآیی، بازده، رقابت، ارزشمند دانستن پول، ایفای نقش تسهیل‌گری، اعطای استقلال و آزادی عمل، مشارکت و مشتری‌گرایی گردیده است. این تحولات که با عناوینی همچون مدیریت دولتی نوین یا مدیریت‌گرایی از آن یاد می‌شود، منجر به حرکت دولت‌ها به سمت کوچک‌سازی، مقررات زدایی و واگذاری بسیاری از وظایف خود به بخش غیردولتی شده و همین امر فضای مناسبی را برای توسعه حیطه غیردولتی و رشد و نمو مؤسسات، شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی فراهم آورده است. با توجه به این جهت‌گیری است که اکنون شهروند محوری و مشارکت محوری و مشارکت‌جویی، پاسخگویی بوروکراتیک، عدالت اجتماعی و انتخاب شهروندی به عنوان رویکردهای اساسی در تقابل بین دولت‌ها و شهروندان مورد توجه قرار گرفته و بسیاری از نظریه‌پردازان متأخر در مدیریت دولتی این موضوعات را محور مباحث خود قرار داده‌اند (Bashirieh, 1995: 42).

در این باره دنهارت^۱ با محور قرار دادن مقوله‌هایی نظیر شهروندی دموکراتیک، جامعه مدنی، انسان‌گرایی سازمانی و تئوری گفتمان، ایده جدیدی را تحت عنوان خدمت دولتی جدید طرح نموده و نقش اصلی نظام اداری و کارگزاران آن را کمک به شهروندان و بر آورده ساختن انتظارات و منافع مشترک آنان می‌داند تا تلاش برای کنترل یا راهبری و اداره جامعه. او همین مفهوم را در جای دیگر به شکل دیگری به شرح زیر بیان می‌نماید: دولت باید پشتیبان تلاش‌هایی باشد که به توسعه مردم سالاری می‌انجامد. این تلاش‌ها باید در جهت گسترش جامعه مدنی و مشارکت شهروندان و تأکید بر ارزش‌های مردم‌سالاری باشد. وقتی مردم‌سالاری توسعه یافت، مدیران دولتی باید نقش‌های جدید خود را در برابر شهروندان تشخیص دهند و به ایفای آن بپردازند. مدیران دولتی باید شهروندان و خواسته‌های آنان را درک کنند و به دنبال یافتن راه‌حلی برای پاسخگویی به آنان باشند. ساختارهای دولتی باید از نظر محتوایی و شکلی مردم سالار شوند و به توانمندسازی کارکنان، شهروندان و مخاطبان خود بپردازند. این توانمندسازی با مشارکت نضج می‌گیرد و توسعه می‌یابد. بر این اساس، امروزه مشارکت مردم در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزش‌یابی کلیه برنامه‌های توسعه‌ای از اصول مدیریتی محسوب و بر ساختار یافتگی و نظام‌مندی آن تأکید می‌شود (Rahnavard et al., 2016: 436).

نظریه‌پردازان کلاسیک مانند الکسی دو توکویل^۲ و نیز امیل دورکهایم^۳ در نظریات خود به بررسی انجمن‌های داوطلبانه می‌پردازند. توکویل بر فضای زندگی انجمنی در جامعه تأکید می‌کند و مهم‌ترین وسیله کنترل دولت را وجود انجمن‌های اجتماعی می‌داند که چشم مستقل جامعه را تشکیل می‌دهند و مشارکت در ابعاد وسیع‌تری از جامعه را میسر می‌سازند (Naderzad, 2005: 55).

دورکهایم نیز انجمن‌ها را در جامعه نوین امری ضروری می‌داند و آن را به مثابه راهی برای درمان بیماری‌های جامعه جدید مطرح می‌کند. به نظر او وقتی که گروه‌های اختصاصی تشکیل می‌شوند و فعالیت‌هایی درون آن‌ها بسط و

^۱. Robert B. Denhardt

^۲. Alexis de Tocqueville

^۳. Émile Durkheim

توسعه پیدا می‌کند نه تنها جامعه در این امر ذینفع است، بلکه فرد نیز در این گروه‌ها منبع رضایت خاطر خود را می‌یابد (Rezaei, 1996: 87).

هر قدر که انسان با جاذبه‌های زندگی انجمنی آشنا شود نیاز به آن را بیشتر احساس می‌کند و در هیچ فعالیتی نیست که این جاذبه‌ها را جست و جو نکند. گرد هم آمدن افراد مشترک المنافع برای دفاع از منافع خود نیست بلکه برای این است که لذت در جمع بودن را در یابند و با عده‌ایی یک واحد را بسازند و احساس نکنند در محیطی دشمن کام گم شده‌اند (Ghanei Rad & Hosseini, 2005: 100).

محیط پژوهش

شهرستان ملارد با مساحت ۹۶۰ کیلومتر مربع دارای دو بخش مرکزی و صفادشت می‌باشد که در غرب استان تهران واقع شده است. شهرستان ملارد از غرب و شمال با استان البرز، از جنوب با شهرستان رباط کریم و شهرستان ساوه و از شرق با شهرستان شهریار مرز مشترک دارد. فاصله شهرستان ملارد تا مرکز استان ۵۰ کیلومتر است. شهرستان ملارد قبلاً یکی از بخش‌های شهرستان شهریار بود که در سال ۱۳۸۸ از بخش به شهرستان ارتقاء یافت و از شهرستان شهریار منتزع گردید (Hashemi Moghadam, 2007: 61).

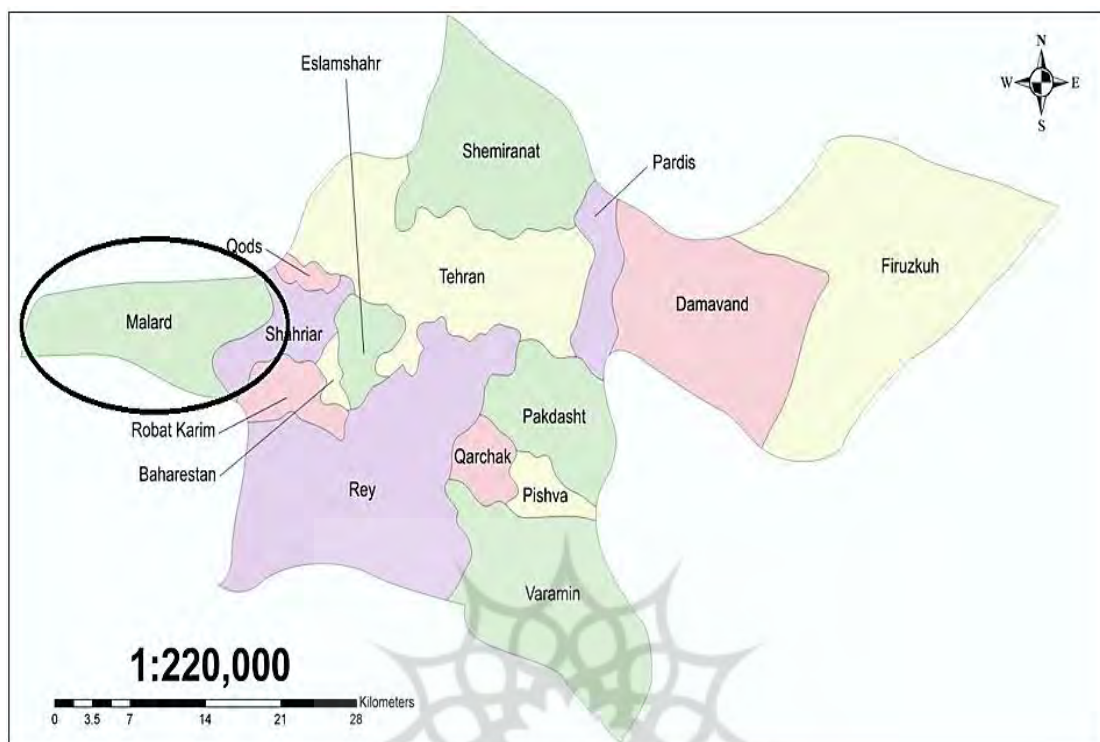


نقشه شماره ۱- موقعیت شهرستان ملارد در نقشه ایران

Source: (<http://abadmelk.com>)

این شهرستان دو بخش مرکزی و صفادشت، دو شهر ملارد و صفادشت، یک دهستان بنام اخترآباد و ۵۹ روستا دارد. شهر امروزی ملارد از ادغام سه نقطه جمعیتی ملارد (ملارد قدیم)، سرآسیاب و شهرک مارلیک شکل گرفته است که تراکم جمعیت در محدوده سرآسیاب و مارلیک بیشتر است. جمعیت این شهرستان در سال ۱۳۹۵ برابر با ۳۷۷۲۹۲ نفر بوده است. از کل جمعیت شهرستان ملارد ۲۹۰۸۱۷ نفر در شهر ملارد، مرکز شهرستان و ۱۹۲۳۲ نفر

نیز در شهر صفادشت زندگی کرده و مابقی هم در روستاهای این شهرستان ساکناند (Gharagozlou & Ali ,Zadeh, 2012: 90).



نقشه شماره ۲- موقعیت شهرستان ملارد در نقشه استان تهران

Dource: <http://vmlk.com>

جدول شماره ۱- تقسیمات کشوری ملارد

نام شهرستان	نام مرکز شهرستان	نام بخش	نام مرکز بخش	نام دهستان	نام مرکز دهستان	نام شهر
ملارد	ملارد	مرکزی	ملارد	ملارد شمالی	ملارد	ملارد
				ملارد جنوبی	بیدک (بید گینه)	
		صفادشت	صفادشت	اختراآباد	اختراآباد	صفادشت
				بی بی سکینه	صفادشت	

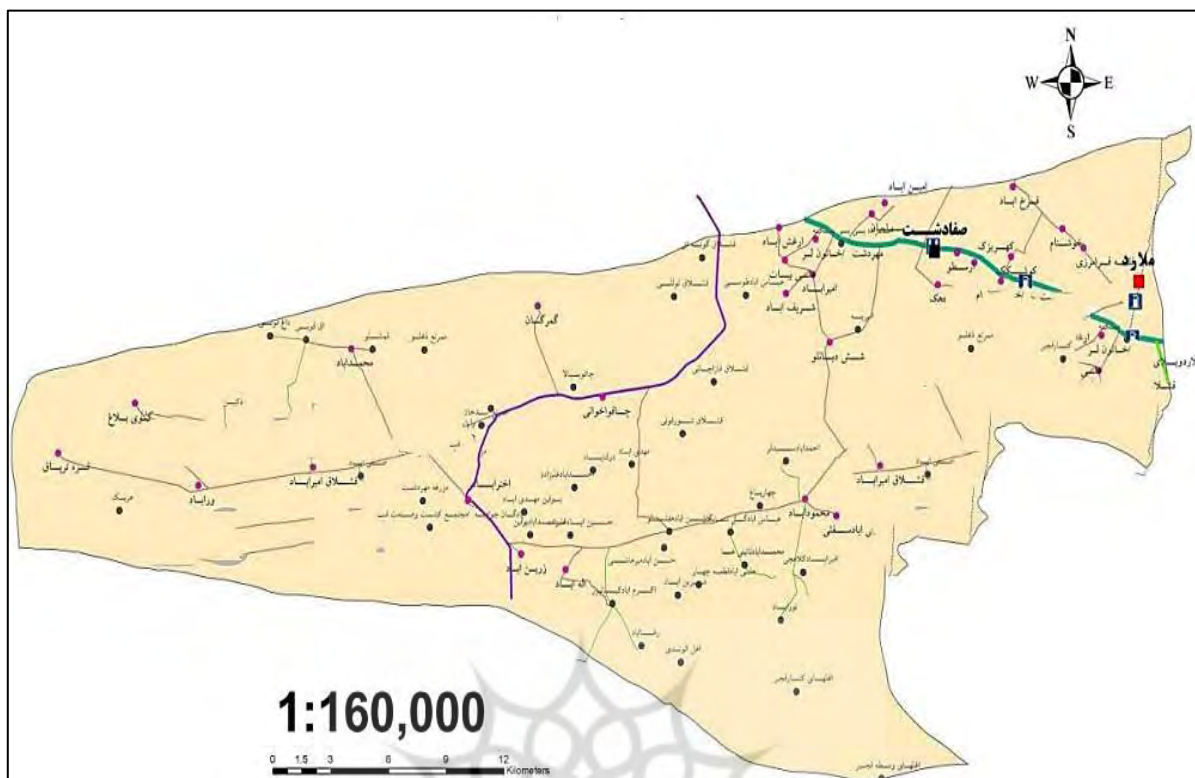
Source: (rdcir.ir)

جمعیت ملارد ترکیبی از اقوام مختلف ایرانی است ولی عمدتاً اقوام ترک، لر، کرد، لک، کرمانج (کردهای شمال خراسان)، تات و گیلک و مازندرانی هستند. بیشترین مهاجرت‌ها به شهرستان ملارد از استان‌های آذربایجان شرقی، همدان، اردبیل، لرستان، کرمانشاه، خراسان رضوی (عمدتاً از شهرستان قوچان)، خراسان شمالی، زنجان، مرکزی، قزوین، گیلان و مازندران است (Ranjbar & Stelaji, 2016: 36).

جدول شماره ۲- جمعیت و خانوار شهرستان ملارد بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵

خانوار	زن	مرد	جمعیت	شرح
۱۰۸۲۳۸	۱۸۲۹۶۹	۱۹۱۰۲۵	۳۷۳۹۹۴	ملارد
۹۰۷۸۹	۱۵۲۱۵۵	۱۵۷۸۹۵	۳۱۰۰۵۰	نقاط شهری
۱۷۳۷۲	۳۰۸۰۵	۳۳۰۵۶	۶۳۸۶۱	نقاط روستایی
۷۷	۹	۷۴	۸۳	غیر ساکن

Source: (<https://www.amar.org.ir>)



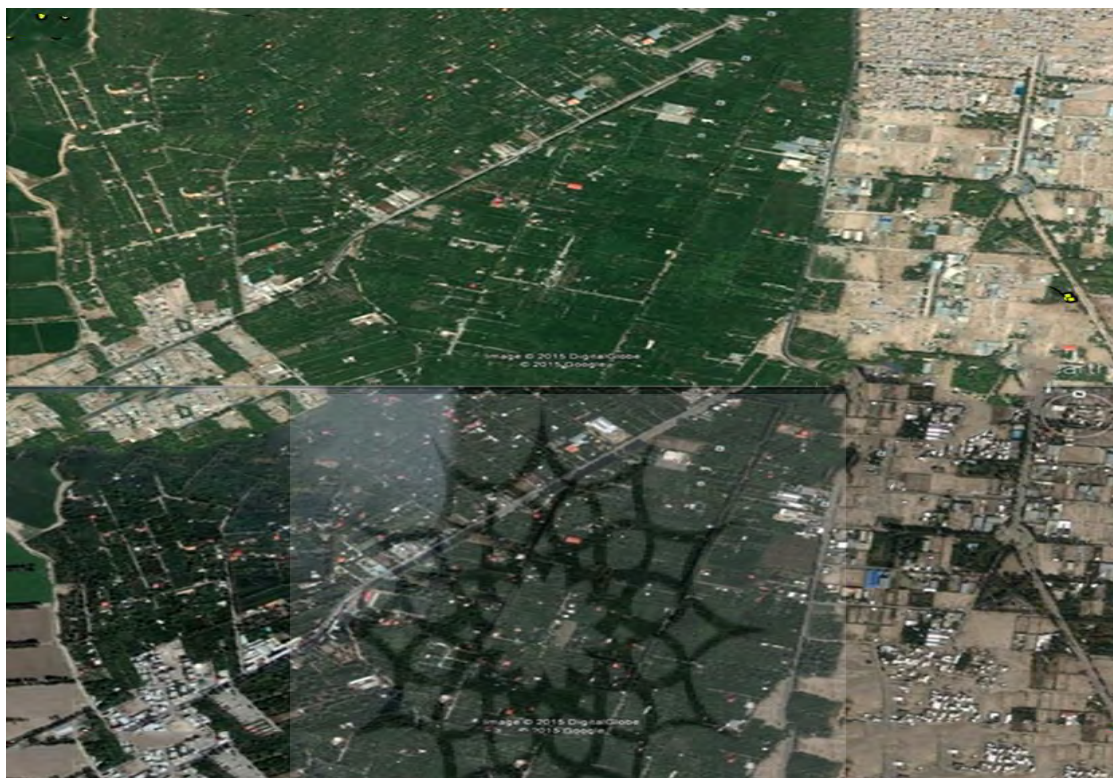
نقشه شماره ۳- تقسیمات داخلی ملارد (http://banixsms.ir)

بین غرب استان تهران و به ویژه شهرهای ملارد و شهریار از قدیم الایام یکی از مناطق تولید کننده میوه‌های بهاری همچون زرد آلو، گوجه سبز و همچنین انگور بوده است. با مطالعه گذشته این دو منطقه دیده می‌شود اقتصاد اول را باغ داری به خود کسب کرده است. در واقع باغداری شغل بیش از ۹۰ درصد مردم محسوب می‌شده است.



تصویر شماره ۱- کاربری اراضی در شهرستان ملارد (http://abadmek.com)

وجود مشکلات فراوان بخش کشاورزی و باغ داری باعث شده است که دیوار کشی و ساخت ویلا، احداث باغ‌های خانوادگی، تغییر کاربری اراضی، خشکاندن درختان باغات با استفاده از گازوئیل و مازوت و منفعل عمل کردن مدیران شهرداری در برخورد با این تخلفات موضوعی است که در منطقه به مراتب در سال‌های گذشته تیشه بر ریشه درختان باغات این منطقه زده است.



تصویر شماره ۱- روند تخریب محیط زیست در شهرستان ملارد

Source: (Google Earth)

برای مطالعه بخش مرکزی شهرستان ملارد به عنوان جامعه آماری انتخاب شده است. این بخش دارای دو دهستان، ملارد شمالی و ملارد جنوبی است. ملارد شمالی دارای ۱۱ روستا و ملارد جنوبی دارای ۷ روستا است. برای انتخاب جامعه نمونه از دو شاخص بیشترین جمعیت و اجرای طرح‌های استفاده شده است. بر اساس این شاخص‌ها، روستاهای مهر آذین، مهر چین و قشلاق ملارد از دهستان‌های بخش مرکزی ملارد شمالی و روستاهای بیدگنه و قپچاق از دهستان‌های بخش مرکزی ملارد جنوبی به عنوان نمونه انتخاب شده است. جمعیت این روستاها بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ برابر با ۱۴۳۳۸ نفر است. برای مشخص شدن حجم جامعه نمونه در هر کدام از این روستاها از فرمول کوکران استفاده شده است.

$$n = \frac{Nz^2 pq}{Nd^2 + z^2 pq}$$

بر اساس این فرمول حجم جامعه نمونه در این تحقیق برابر با ۳۷۴ نفر است که بر اساس نسبت جمعیت هر کدام از روستا تعداد حجم نمونه در هر روستا به شرح جدول شماره (۱) است. برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری احتمالی و از نوع تصادفی ساده استفاده شده است.

جدول شماره ۳- حجم جامعه نمونه در روستاهای مورد مطالعه

نام روستا	جمعیت (سال ۱۳۹۵)	نسبت جمعیت از کل	حجم نمونه (نفر)
قشلاق ملارد	۴۵۰۴	۳۱۰۴	۱۱۷
مهرآذین	۸۸۳	۶۰۲	۲۳
مهرچین	۱۰۴۱	۷۰۲	۲۷
بیدکنه	۶۰۰۹	۴۲	۱۵۷
قیچاق	۱۹۰۱	۱۳۰۲	۸۰
جمع کل	۱۴۲۲۸	۱۰۰	۳۷۴

Source: Research findings

تجزیه و تحلیل داده‌ها

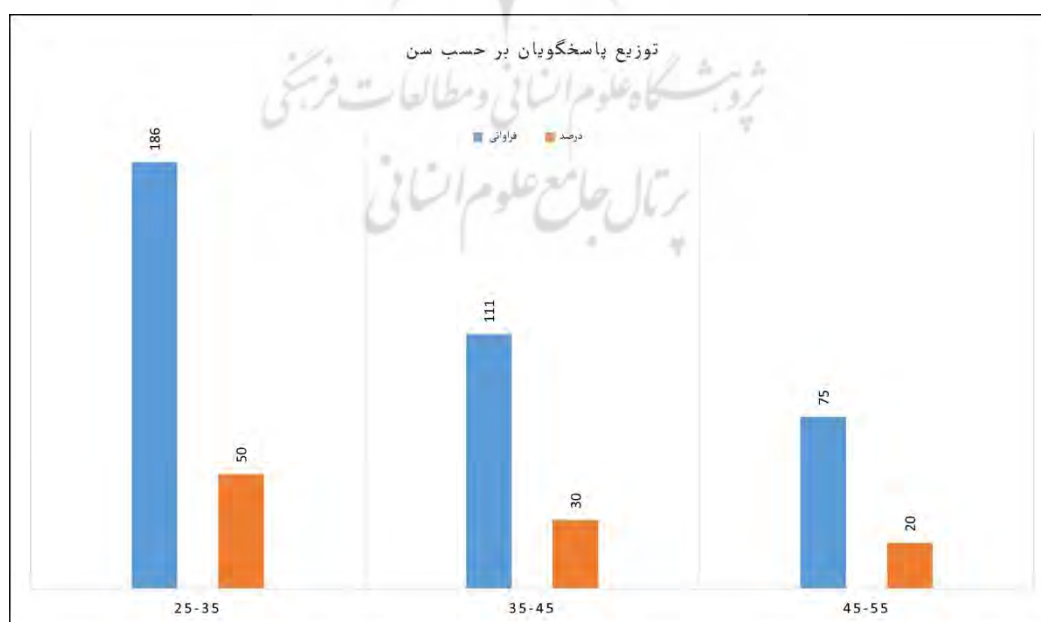
توزیع پاسخگویان بر حسب سن

نتایج به دست آمده از داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد که ۱۸۶ نفر (برابر با ۵۰ درصد) از افراد جامعه نمونه در گروه سنی ۲۵ - ۳۵ سال قرار دارند. این در حالی است که ۱۱۱ نفر از افراد جامعه نمونه (برابر با ۳۰ درصد) در گروه سنی ۳۵ - ۴۵ سال و ۷۵ نفر (برابر با ۲۰ درصد) در گروه سنی ۴۵ - ۵۵ سال قرار دارند.

جدول شماره ۴- توزیع پاسخگویان بر حسب سن

سن	فراوانی	درصد
۲۵-۳۵	۱۸۶	۵۰
۳۵-۴۵	۱۱۱	۳۰
۴۵-۵۵	۷۵	۲۰

Source: Research findings



نمودار شماره ۱- توزیع پاسخگویان بر حسب سن

Source: Research findings

عناصر و شاخص‌های تحقیق

از آنجایی که تحقیق حاضر به دنبال شناخت راهبردهای افزایش مشارکت مردمی در ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی نواحی روستایی دهستان‌های بخش مرکزی ملارد است، بنابراین شاخص‌های زیر انتخاب شده است.

جدول شماره ۵- بعد زیست محیطی مشارکت مردمی در ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی

بعد	قوت	ضعف	فرصت	تهدید	گروه‌ها
زیست‌محیطی	S ₁ : بارندگی مناسب در فصل سرد؛	W ₁ : استفاده از کودهای شیمیایی؛	O ₁ : اصلاح نظام آبیاری و کشاورزی؛	T ₁ : آلودگی آب‌های زیرزمینی و رودخانه‌های محدوده؛	گروه‌های روستایی
	S ₂ : کاشت درخت	W ₂ : استفاده بیش از حد از منابع آبی زیر زمین؛	O ₂ : توسعه فضاهای سبز درون روستاها؛	T ₂ : از بین بردن پوشش گیاهی منطقه	
	S ₃ : کاهش انتشار دی‌اکسید کربن	W ₃ : از بین بردن پوشش گیاهی منطقه	O ₃ : تفکیک و بازیافت زباله‌های خانگی و کشاورزی	T ₃ : آلودگی منابع شاکلی	
	S ₄ : کم بودن مخاطرات محیطی در منطقه	W ₄ : زباله‌های خانگی و کشاورزی			

Source: Research findings

جدول شماره ۶- بعد اقتصادی مشارکت مردمی در ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی

بعد	قوت	ضعف	فرصت	تهدید	گروه‌ها
اقتصادی	S ₅ : کمک‌های اقتصادی مردم برای طرح‌ها حفاظت محیط‌زیست؛	W ₅ : بالا بودن هزینه اصلاح نظام‌های کشاورزی و آبیاری؛	O ₄ : جذب سرمایه‌های بخش خصوصی؛ حمایت و توانمندسازی	T ₄ : وجود تحریم‌های اقتصادی و سیاسی و عدم استفاده از تکنولوژی-های روز دنیا؛	گروه‌های روستایی
	S ₆ : از سوی دولت برای کاهش آلودگی‌های محیطی	W ₆ : پایین بودن سطح درآمد ساکنین روستاها؛	O ₅ : ارتباط با جوامع محلی در خصوص حفظ محیط‌زیست	T ₅ : عدم تخصیص بودجه‌های دولتی برای حفاظت از محیط‌زیست	
		W ₇ : عدم وجود کارشناسان متخصص در زمینه محیط‌زیست	O ₆ : آموزش و اطلاع‌رسانی به روستاییان	T ₆ : تغییر الگوی مصرف و استفاده بیشتر از مواد آلاینده	
		W ₈ : ضعف مدیریت روستایی در دفع فاضلاب و زباله‌ها	O ₇ : شکل‌گیری سخن‌های مردمی در حفاظت محیط‌زیست	T ₇ : عدم توجه به قوانین مرتبط با محیط‌زیست	
		W ₉ : پایین بودن سطح آگاهی عمومی مدیران، طراحان و برنامه‌ریزان درباره مقوله محیط‌زیست	O ₈ : شرکت در دوره‌های آموزشی-ترویجی	T ₈ : عدم توجه به محیط‌زیست روستایی در سند چشم‌انداز کشور	
		W ₁₀ : فقدان برنامه‌های زمانی (بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت) جهت نظارت بر مسائل زیست‌محیطی	O ₉ : گسترش نظارت عمومی بر پروژه‌ها و مسائل زیست‌محیطی.	T ₉ : عدم همکاری ارگان‌های مربوطه دولتی با سازمان‌های مردم‌نهاد	

Source: Research findings

جدول شماره ۷- بعد اجتماعی مشارکت مردمی در ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی

بعد	قوت	ضعف	فرصت	تهدید	گروه‌ها
اجتماعی	S ₇ : بالا رفتن سطح سواد و تحصیلات دانشگاهی	W ₇ : عدم وجود کارشناسان متخصص در زمینه محیط‌زیست	O ₆ : آموزش و اطلاع‌رسانی به روستاییان	T ₇ : تغییر الگوی مصرف و استفاده بیشتر از مواد آلاینده	گروه‌های روستایی
	S ₈ : وجود ارزش‌ها و اعتقادات دینی و مذهبی در زمینه حفظ محیط‌زیست؛	W ₈ : ضعف مدیریت روستایی در دفع فاضلاب و زباله‌ها	O ₇ : شکل‌گیری سخن‌های مردمی در حفاظت محیط‌زیست	T ₈ : عدم توجه به قوانین مرتبط با محیط‌زیست	
	S ₉ : بالا بودن روحیه همکاری و مشارکت در کارهای	W ₉ : پایین بودن سطح آگاهی عمومی مدیران، طراحان و برنامه‌ریزان درباره مقوله محیط‌زیست	O ₈ : شرکت در دوره‌های آموزشی-ترویجی	T ₉ : عدم توجه به محیط‌زیست روستایی در سند چشم‌انداز کشور	
	S ₁₀ : پایبندی به حقوق و عرف مردمی	W ₁₀ : فقدان برنامه‌های زمانی (بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت) جهت نظارت بر مسائل زیست‌محیطی	O ₉ : گسترش نظارت عمومی بر پروژه‌ها و مسائل زیست‌محیطی.	T ₁₀ : عدم همکاری ارگان‌های مربوطه دولتی با سازمان‌های مردم‌نهاد	

Source: Research findings

جدول شماره ۸- بعد کالبدی - زیرساختی مشارکت مردمی در ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی

بعد	قوت	ضعف	فرصت	تهدید	گروه‌ها
کالبدی- زیرساختی	W ₁₁ : نحوه دفع و جمع‌آوری فاضلاب غسالخانه‌های روستایی	O ₁₀ : هماهنگی بین سازمان‌ها و ارگان‌ها	T ₁₁ : از بین رفتن سیستم دفع فاضلاب‌های روستایی؛	گروه‌های روستایی	
	W ₁₂ : کم بودن سرانه‌های بهداشتی- درمانی و فضای سبز در روستاها؛	O ₁₁ : استقلال سازمان‌ها و کارگزارانی که اداره امور حفاظت از محیط‌زیست روستا را به عهده دارند	T ₁₂ : افزایش نظارت ساختار شورا و دهیاری بر حفظ محیط‌زیست؛		
	W ₁₃ : کمبود تجهیزات و فن‌آوری‌های نوین جهت کنترل و نظارت در عرصه‌های طبیعی و انسانی				

Source: Research findings

اولویت‌بندی عوامل درونی و بیرونی مشارکت مردمی مؤثر بر شاخص‌های زیست‌محیطی

ارزیابی عوامل درونی مؤثر بر افزایش مشارکت مردمی در جهت ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی نشان می‌دهد که مجموع امتیاز نهایی عوامل درونی برابر ۲/۵۴۳ بوده است.

ارزیابی عوامل افزایش مشارکت مردمی در ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی نشان می‌دهد که نقاط قوت زیر به ترتیب، می‌توانند بیشترین اهمیت را در افزایش مشارکت مردمی داشته باشند:

۱ - وجود دهیاری و شورای روستایی در تمام روستاهای ملارد (با امتیاز نهایی ۰/۱۹۶۸): به عنوان یکی از نهادهای مردمی در روستاهای دهستان‌های بخش مرکزی ملارد بیشترین اهمیت را در افزایش نقش مشارکت‌های مردمی جهت ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی داشته باشد. این نهاد مردمی در طی دهه اخیر به عنوان مدیر روستایی جایگاه ویژه‌ای پیدا نموده است و از آنجایی که توسط خود روستاییان انتخاب می‌شوند می‌توانند زمینه‌ساز مشارکت مردمی باشند.

۲ - بالا بودن روحیه همکاری و مشارکت در کارهای کشاورزی با امتیاز نهایی ۰/۱۹۶۳ در اولویت دوم قرار گرفته است. روحیه مشارکت عمومی خود از عوامل اصلی است که تکیه بر آن می‌توان بسیاری از مشکلات و موانع توسعه پایدار روستا را حل کرد.

۳ - افزایش بهره‌وری از انرژی طبیعی توسط ساکنین روستا با امتیاز نهایی ۰/۱۹۵۹ به عنوان اولویت سوم نیز از جمله عواملی است که با استفاده از آن می‌توان میزان استفاده از سوخت‌های فسیلی را کاهش داده و از این طریق زمینه حفظ بیش از پیش محیط را فراهم نمود.

ارزیابی نقاط ضعف افزایش مشارکت مردمی در جهت ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی نشان می‌دهد نشان می‌دهد که عوامل زیر به ترتیب، می‌توانند بیشترین تأثیر را در عدم افزایش مشارکت مردمی داشته باشند:

۱ - کمبود تجهیزات و فن‌آوری‌های نوین جهت کنترل و نظارت در عرصه‌های طبیعی و انسانی در دهستان‌های بخش مرکزی ملارد با امتیاز نهایی ۰/۰۲۸۰ می‌تواند بیشترین تأثیر را در عدم افزایش مشارکت مردمی محدوده جهت ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی به دنبال داشته باشد.

۲ - کاهش متقاضیان و مشتریان صنایع کوچک با احداث شهرهای صنعتی نحوه دفع و جمع‌آوری فاضلاب غسالخانه‌های روستایی با امتیاز نهایی ۰/۰۲۸۲ در اولویت دوم برای عدم افزایش مشارکت مردمی به شمار می‌روند؛

۳ - فقدان برنامه‌های زمانی (بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت) جهت نظارت بر مسائل زیست‌محیطی با امتیاز نهایی ۰/۰۲۷۸ در اولویت سوم قرار دارند.

جدول شماره ۹- ارزیابی عوامل درونی افزایش مشارکت مردمی در ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی

عامل	جامعه نمونه		
	مجموع امتیاز	ضریب نرمال	نمره
S _۱	۱۳۱۶	۰,۰۴۲۷	۳
S _۲	۱۴۵۰	۰,۰۴۷۱	۳
S _۳	۱۴۴۸	۰,۰۴۷۰	۳
S _۴	۱۴۳۸	۰,۰۴۶۷	۳
S _۵	۱۴۵۳	۰,۰۴۷۲	۳
S _۶	۱۴۵۳	۰,۰۴۷۲	۳
S _۷	۱۵۰۶	۰,۰۴۸۹	۴

۰,۱۹۴۲	۴	۰,۰۴۸۶	۱۴۹۶	S _۱
۰,۱۹۶۳	۳	۰,۰۴۹۱	۱۵۱۲	S _۲
۰,۱۴۵۶	۳	۰,۰۴۸۵	۱۴۹۵	S _۳
۰,۱۴۲۵	۳	۰,۰۴۷۵	۱۴۶۳	S _۴
۰,۱۹۵۹	۴	۰,۰۴۹۰	۱۵۰۹	S _۵
۰,۱۹۶۹	۴	۰,۰۴۹۲	۱۵۱۷	S _۶
۰,۰۵۹۵	۲	۰,۰۲۹۷	۹۱۶	W _۱
۰,۰۳۰۰	۱	۰,۰۳۰۰	۹۲۴	W _۲
۰,۰۲۹۵	۱	۰,۰۲۹۵	۹۰۸	W _۳
۰,۰۲۹۱	۱	۰,۰۲۹۱	۸۹۸	W _۴
۰,۰۶۰۰	۲	۰,۰۳۰۰	۹۲۴	W _۵
۰,۰۲۹۰	۱	۰,۰۲۹۰	۸۹۳	W _۶
۰,۰۲۹۲	۱	۰,۰۲۹۲	۹۰۱	W _۷
۰,۰۲۹۷	۱	۰,۰۲۹۷	۹۱۵	W _۸
۰,۰۲۹۸	۱	۰,۰۲۹۸	۹۱۸	W _۹
۰,۰۲۸۷	۱	۰,۰۲۸۷	۸۸۵	W _{۱۰}
۰,۰۲۸۲	۱	۰,۰۲۸۲	۸۶۹	W _{۱۱}
۰,۰۲۹۶	۱	۰,۰۲۹۶	۹۱۲	W _{۱۲}
۰,۰۲۸۰	۱	۰,۰۲۸۹	۸۶۳	W _{۱۳}
۲,۵۴۳	۱		۳۰۸۱۰	جمع کل

Source: Research findings

جدول شماره ۱۰- ارزیابی عوامل بیرونی افزایش مشارکت مردمی در ارتقاء شاخص های زیست محیطی

عامل	مجموع امتیاز	جامعه نمونه	
		ضریب نرمال	نمره
O _۱	۱۵۳۲	۰,۰۶۳۲	۳
O _۲	۱۴۵۶	۰,۰۶۰۰	۳
O _۳	۱۵۲۸	۰,۰۶۳۰	۴
O _۴	۱۵۵۸	۰,۰۶۴۲	۴
O _۵	۱۵۴۲	۰,۰۶۳۶	۳
O _۶	۱۶۱۲	۰,۰۶۶۵	۴
O _۷	۱۵۹۸	۰,۰۶۵۹	۳
O _۸	۱۵۶۳	۰,۰۶۴۴	۴
O _۹	۱۵۵۳	۰,۰۶۴۰	۳
O _{۱۰}	۱۵۲۵	۰,۰۶۳۹	۳
O _{۱۱}	۱۵۰۱	۰,۰۶۱۹	۳
T _۱	۴۶۰	۰,۰۱۹۰	۱
T _۲	۴۵۸	۰,۰۱۸۹	۱
T _۳	۶۳۰	۰,۰۲۶۰	۱
T _۴	۸۲۶	۰,۰۳۴۱	۱
T _۵	۴۱۰	۰,۰۱۶۹	۱
T _۶	۷۵۸	۰,۰۳۱۲	۱
T _۷	۳۹۸	۰,۰۱۶۴	۱
T _۸	۶۸۰	۰,۰۲۸۰	۱
T _۹	۸۳۰	۰,۰۳۴۲	۱
T _{۱۰}	۶۸۰	۰,۰۲۸۰	۱
T _{۱۱}	۶۳۰	۰,۰۲۶۰	۱
T _{۱۲}	۵۳۰	۰,۰۲۱۸	۱
جمع کل	۲۴۲۵۸	۱	۲/۶۵۷۱

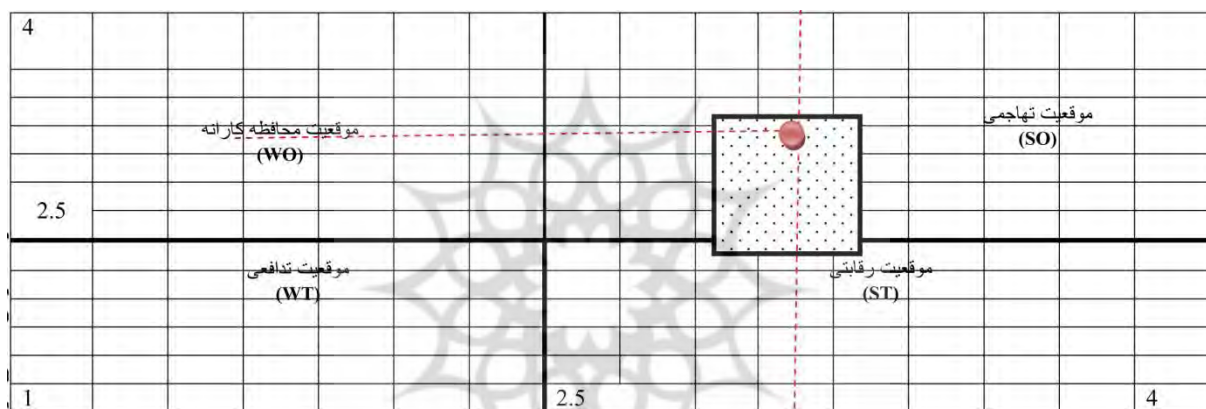
Source: Research findings

نتایج به دست آمده از ماتریس ارزیابی عوامل بیرونی نشان می دهد که عامل O₆ (آموزش و اطلاع رسانی به روستاییان) با امتیاز نهایی ۲۶۵۸ بیشترین امتیاز را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که عامل T₇

(تغییر الگوی مصرف و استفاده بیشتر از مواد آلاینده) با امتیاز نهایی ۰/۰۱۶۴ کمترین امتیاز را به خود اختصاص داده است.

راهبردهای افزایش مشارکت مردمی در ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی با استفاده از ماتریس (SWOT) ماتریس SWOT امکان تدوین چهار راهبرد را فراهم می‌آورد البته ممکن است که در جریان اجرای تکنیک، راهبردها با یکدیگر هم پوشانی داشته و یا هماهنگ با یکدیگر به اجرا در آیند. جدول شماره (۹) راهبردهای که از تشکیل ماتریس SWOT به دست می‌آید نشان می‌دهد.

بعد از مشخص نمودن راهبردهای افزایش مشارکت مردم دهستان‌های بخش مرکزی ملارد در جهت ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی با استفاده از ماتریس ۴ خانه‌ای راهبردهای مهم‌تر و مؤثرتر باید مشخص گردد. در این راستا با استفاده از تطبیق مجموع امتیاز عوامل درونی و بیرونی در قالب یک ماتریس ۴ خانه‌ای راهبردهای اولویت‌دار مشخص شده است.



نمودار شماره ۲- ماتریس چهارخانه‌ای داخلی

Source: Research findings

همان‌طوری که نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد راهبردهای اولویت‌دار برای افزایش مشارکت مردمی در جهت ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی روستاهای دهستان‌های بخش مرکزی ملارد در گروه تهاجمی قرار دارند. این دسته از راهبردها با استفاده از نقاط قوت سعی در بروز مزیت‌های بالقوه محدود خود دارند.

پاسخ به سؤال‌ها

الف) چگونه زمینه مشارکت ساکنین نواحی روستایی دهستان‌های بخش مرکزی ملارد را برای بهبود شاخص‌های زیست‌محیطی فراهم نمود؟

برای پاسخ به این سؤال از راهبردهای به دست آمده در زمینه افزایش مشارکت مردمی استفاده شده است. نتایج به دست آمده از تطبیق عوامل درونی (قوت - ضعف) با عوامل بیرونی (فرصت - تهدید) راهبردهای حاصل شده است که می‌توانند زمینه مشارکت ساکنین روستاهای دهستان‌های بخش مرکزی ملارد را برای ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی فراهم نمایند. این راهبردها عبارت‌اند از:

۱- تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد تخصصی حقوق محیط‌زیست با عضویت متخصصین و تحصیل‌کردگان دهستان ملارد

- ۲- فراهم آوردن ساختار آگاهانه، خود جوش و نهادینه شده مشارکت مردم از طریق انتقال دانش مربوطه و برنامه‌های آموزش رسمی و غیر رسمی
- ۳- تشکیل دوره‌های آموزشی برای شهروندان، سخنرانی در مدارس، مساجد و اماکن عمومی در زمینه منابع طبیعی و محیط انسانی
- ۴- تشویق بخش خصوصی جهت مشارکت، همکاری و سرمایه‌گذاری اقتصادی در بعد مسائل زیست‌محیطی
- ۵- ساماندهی مشاغل آلاینده در سطح شهر و وضع قوانین خاص و تدابیر ویژه برای کاهش آلودگی
- ۶- استفاده از روحیه مشارکت مردمی در فعالیت‌های جنگل‌کاری
- ۷- توسعه زیرساخت‌های لازم در دهستان‌های بخش مرکزی ملارد برای جمع‌آوری و تفکیک زباله‌های خانگی و کشاورزی؛
- ۸- تشویق و ترغیب بخش خصوصی برای خرید ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز جهت جمع‌آوری و تفکیک زباله‌های تولیدی در روستا
- ۹- برگزاری همایش‌های علمی جهت افزایش آگاهی مسئولین مراکز و نهادهای دولتی و دهیاری‌ها نسبت به ضرورت مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد و روستائیان در حفظ محیط‌زیست روستا
- ۱۰- ایجاد گروه‌های محیط‌یاری از تحصیل‌کردگان و دانش‌آموزان روستایی توسط شورا و دهیاری
- ۱۱- رفع موانع ساختاری مشارکت و بسترسازی در جهت ساماندهی مشارکت مردم در قالب تشکل‌های مردمی
- ۱۲- ارائه حمایت‌های مالی در قالب تسهیلاتی چون اعطای وام، اعتبار و یارانه به روستائیان در بهره‌برداری اصولی و پایدار از منابع محیطی
- ۱۳- توسعه زیرساخت‌های لازم برای تبدیل فضولات دامی به کودهای مناسب برای مراتع و زمین‌های کشاورزی

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

محیط‌زیست یکی از ابعاد حساس و آسیب‌پذیر روستاها می‌باشد که نسبت به شهرهای کمتر تحت تأثیر آلاینده‌های مختلف قرار گرفته است. ولی گسترش الگوی مصرف شهری و هجوم بعضی منابع آلاینده شهری به حریم روستاها و تغییر الگوی مصرف روستائیان زمینه‌های تخریب محیط‌زیست در روستاها را گسترش داده است. از سوی دیگر حفظ محیط‌زیست یک وظیفه همگانی و ملی است و هر شخصی و سازمانی بایستی در حیطه وظایف و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی خود به حفظ محیط‌زیست حساسیت داشته باشد. بر اساس اصل ۵۰ قانون اساسی کشور حفاظت محیط‌زیست که نسل امروز و نسل‌های بعدی در آن حیات اجتماعی روبه رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. امروزه نزدیک به ۴۰ درصد از مردم کشور ما در نقاط روستایی و جوامع کوچک نیمه شهری و نیمه روستایی زندگی می‌کنند و با گسترش شهرنشینی حریم برخی شهرها تا نزدیکی‌های نقاط روستایی گسترش پیدا کرده است.

تا ۵۰ سال اخیر روستائیان یک زندگی خودکفا و متکی به محیط خودشان را داشته‌اند. به ویژه تهیه و تولید مواد غذایی و عوامل وابسته به آن به شکل طبیعی بوده و آسیب‌های جدی به محیط‌زیست وارد نمی‌ساخته است. در گذشته روستائیان مواد غذایی خود را خودشان تولید می‌نمودند، ظروف مورد استفاده آن‌ها اکثراً فلزی و سفالی بوده و

برای تسهیل زندگی خود وابسته به تکنولوژی بومی و دانش بومی خود بوده‌اند. مراودات و ارتباطات اقتصادی و اجتماعی بین نقاط روستایی و شهری نیز در قالب این چارچوب بوده است؛ بنابراین هر آنچه تولید می‌کردند و پس از استهلاک و سپری شدن تاریخ مصرف آن، بازیافت آن در طبیعت به سهولت انجام می‌پذیرفت. مواد سوختنی مورد استفاده آن‌ها اغلب از هیزم و فضولات حیوانی بوده و پسماندهای آن آسیبی به محیط‌زیست روستا وارد نمی‌ساخته است. البته این بدان معنا نیست که محیط‌زیست روستا در گذشته فاقد مشکلات بوده است بحث بر سر این است که امروزه بر اثر تغییر شیوه زندگی و الگوی مصرف در مناطق روستایی، روز گذشته به کلی دگرگون گردیده است. به طوری که رواج مصرف ظروف پلاستیکی، مواد شوینده و آلاینده منابع آب و خاک مواد سوختنی فسیلی (نفت، گازوئیل و...) و تولید مواد زائد جامد و رهاسازی آن در محیط روستا، اثرات و پیامدهای منفی بر محیط‌زیست روستا برجای می‌گذارد. جالب توجه اینکه تا ۱۵ سال پیش هیچ برنامه و اقدامی از سوی متولیان مدیریت روستایی برای ساماندهی و مدیریت محیط‌زیست روستا در کشور ما وجود نداشت، فقط در بخش محدودی خانه‌های بهداشت روستایی توجهاتی به محیط‌زیست روستاها می‌نمودند؛ اما بایستی توجه داشت که محیط‌زیست روستا همانند محیط‌زیست شهری دامنه گسترده‌ای دارد و با توجه به تغییر شیوه زندگی روستائیان، بایستی طرح‌ها و برنامه‌های متناسب با این تغییرات برای حفظ محیط‌زیست روستا تدوین و اجرا گردد.

روستاهاى ایران با توجه به نزدیکی خاصی که به طبیعت پیرامون خود دارند، بیشترین تأثیر را هم بر محیط گذاشته و هم بیشترین تأثیر را از محیط پیرامون خود می‌گیرند و از این نظر بیشترین ارتباط با محیط را دارند. ابعاد مختلفی که روستاها با آن‌ها در زمینه محیط‌زیست درگیر هستند، متعدد می‌باشد. اولین آن پسماندها است که به واسطه افزایش مصرف‌گرایی و توسعه گردشگری به عنوان معضلی جدی در نواحی روستایی مطرح است. تخریب و آلودگی خاک که عمدتاً ناشی از نوع کشاورزی سنتی و به کارگیری سموم متعدد است، از دیگر مشکلات زیستی به شمار می‌رود که در آلودگی آب و منابع آبی نقش مهمی دارد. در کنار این مسئله گسترش شهرها و توسعه صنایع و گردشگری منجر به تغییر کاربری اراضی نواحی روستایی شده است این امر سبب گردیده محیط-های روستایی دستخوش تجاوز و سوء استفاده سودجویان قرار گیرد و به تبع آن محیط‌زیست روستایی آسیب ببیند؛ بنابراین عمده مشکلات زیست محیطی روستاها شامل فرسایش خاک، نبود سیستم‌های دفن زباله و عدم وجود خطوط فاضلاب به همراه کمبود آب می‌باشد.

منابع طبیعی یکی از ثروت‌های حائز اهمیت برای نسل‌های کنونی و آینده است که نقش بسیار مهمی در تعادل بوم‌شناختی، درآمدزایی و توسعه روستایی دارد. امروزه به دلایل مختلف از جمله خشکسالی‌های پی در پی، مشکل فرسایش بادی و شوری خاک، تخریب اراضی در اثر استفاده بی‌رویه از عرصه‌های طبیعی و بهره‌برداری‌های نامناسب، سرعت تخریب و بهره‌برداری بسیار بیشتر از روند تجدید و احیاء این منابع می‌باشد و همین مسئله باعث نابودی سطوح گسترده‌ای از منابع و شکنندگی عرصه‌های وسیع‌تر محیط‌زیست شده است. از این رو حفاظت و بهره‌برداری پایدار از این منابع ارزشمند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه اجتماعی - اقتصادی یک جامعه به‌ویژه در جوامع روستایی نقش و حضور فعالانه مردم در کارها و فعالیت‌های مربوط به روستای خود است. بدون همیاری و مشارکت مردم، توسعه مفهومی

نخواهد داشت، چراکه هر گامی که در راه رشد و توسعه برداشته می‌شود، باید با همراهی مردم انجام گیرد. مطمئناً بدون حضور و مشارکت جوامع محلی، کلیه اقدامات انجام شده در زمینه حفظ و احیای منابع طبیعی بی‌اثر و بی‌نتیجه خواهد بود چرا که حیات و معیشت ذینفعان اصلی که همانا مردم می‌باشند وابسته به منابع طبیعی و محیط‌زیست می‌باشد.

مطالعات سازمان ملل از توسعه اندک و ناموفق مشارکت‌های مردمی در کشورهای در حال توسعه حکایت می‌کند. روستا بخش عمده‌ای از جمعیت و عرصه‌های طبیعی کشور را به خود اختصاص داده است و جامعه روستایی نقش اساسی در حیات اقتصادی و اجتماعی کشور دارد. با توجه به اهمیت و جایگاه جامعه روستایی در کشور و مشکلات و چالش‌هایی که این جامعه در فرایند توسعه خود با آن مواجه است، شناخت و تحلیل راهبردهای مؤثر در ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی روستا ضرورت تام دارد. امروزه برنامه‌های مختلفی برای توسعه مناطق روستایی توسط دولت تدوین و به اجرا در می‌آید. قوانین، مقررات، سیاست‌ها، طرح‌های اقتصادی، اجتماعی و کالبدی در مجموع نظام مدیریت و توسعه روستایی را تشکیل می‌دهد که هر یک به تناسب ضرورت‌ها و نیازهای زندگی روستاییان، در پی به ثمر رسیدن ساماندهی و توسعه نواحی روستایی می‌باشند. در این بین توجه به محیط‌زیست روستا در فرایند برنامه‌ریزی توسعه روستایی برای مجموعه نظام مدیریت روستایی ضروری است. دهیاران به عنوان اصلی‌ترین ارکان مدیریت روستایی، در حفظ مدیریت محیط‌زیست روستاهای کشور نقش قابل توجهی دارند و طبق قانون یکی از وظایف دهیاران حفاظت از محیط‌زیست روستایی است. امروزه مشارکت مردمی از عواملی است که نقش به‌سزایی در حفظ محیط‌زیست روستایی، افزایش و ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی دارد.

مشارکت مردم در مدیریت روستایی یکی از محورهای یازده‌گانه زیر بخش مدیریت روستایی می‌باشد. در این محور راهکارها و سیاست‌های جلب مشارکت مردم در مدیریت روستایی مورد بررسی قرار می‌گیرد. امروزه اهمیت جلب مشارکت‌های مردمی در توسعه کشور بر کسی پوشیده نیست و اهمیت آن به حدی افزایش یافته که برخی از صاحب‌نظران، عصر حاضر را عصر مشارکت نامیده‌اند. منظور از مشارکت مردم در مدیریت روستایی عبارت است از کنش متقابل که بین متولیان مدیریت روستایی و روستائیان یا ذینفعان طرح‌های توسعه‌ای به وقوع می‌پیوندد، به گونه‌ای که روستائیان آگاهانه و از روی اراده و میل و با حمایت و هدایت کارگران دولتی در تمامی سطوح و مراحل تدوین و اجرای برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شرکت فعال داشته باشند؛ بنابراین جلب مشارکت‌های مردمی در تمامی مراحل تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های عمرانی مورد توجه، امری ضروری است. بهبود مشارکت از راه‌های مختلف امکان‌پذیر است. یکی از ملموس‌ترین راه‌های جلب مشارکت مردمی، گسترش نهادهای مردمی پشتیبان دهیاری می‌باشد که از آن جمله می‌توان به یاریگران دهیاری اشاره کرد. یاریگران دهیاری‌ها موظف به ساماندهی و آموزش آن‌ها می‌باشند. از جمله زمینه‌هایی که از مشارکت‌های مردمی می‌توان استفاده کرد پیشگیری از سوانح و بلایای طبیعی، بهبود بهداشت روستایی، محیط‌زیست روستایی، عمران و بهسازی قابل ذکر هستند و بر این اساس می‌توان شاخص‌های زیر را برای سنجش جلب مشارکت‌های مردمی در امور مدیریت روستایی به کار برد.

۱- جمعیت تحت پوشش یاریگران

۲- جمعیت تحت پوشش یاریگران سلامت

۳- جمعیت تحت پوشش یاریگران محیط‌زیست

۴- جمعیت تحت پوشش یاریگران عمران

وجود برخی زمینه‌ها و قابلیت‌ها در حوزه مدیریت روستایی می‌تواند موفقیت برنامه جلب مشارکت‌های مردمی را تسهیل و تسریع نماید. برخی از این امکانات و قابلیت‌ها عبارت‌اند از:

- وجود پیشینه فرهنگی در زمینه همکاری، مشارکت و تعاون و سرمایه اجتماعی بالا

- تأسیس و راه‌اندازی دهیاری‌ها به عنوان نهاد عمومی غیردولتی

- افزایش سطح سواد و آگاهی جامعه روستایی نسبت به حقوق اجتماعی

- وجود منابع انسانی جوان و پرانرژی (گروه‌های سنی زیر ۳۰ سال)

در کنار امکانات و قابلیت‌های فوق‌الذکر، محدودیت‌ها و تنگنانهایی نیز وجود دارد که می‌توانند روند اجرای برنامه‌ها را کند و احياناً متوقف نمایند. برخی از این محدودیت‌ها و تنگناها عبارت‌اند از:

- دشواری و پیچیدگی عملیات اجرایی در راستای توسعه روستایی توسط دولت به دلیل گستردگی اختیارات آن.

- عدم اعتقاد برخی از مسئولان و متولیان توسعه روستایی به ضرورت مشارکت‌های مردمی

- عدم شکل‌گیری نظام مدیریت مشارکتی کارآمد

- فقدان ساختار اجرایی مناسب و تقسیم‌کار مشخص برای مدیریت روستایی

- عدم ساماندهی مناسب مشارکت‌های مردمی در مدیریت روستایی

افزایش مشارکت مردمی می‌تواند نقش محسوسی در تحقق اهداف چشم‌انداز برنامه‌های توسعه داشته باشد که از آن جمله می‌توان موارد زیر اشاره کرد:

۱- رشد مستمر و پایدار

۲- امنیت انسانی و اجتماعی

۳- ارتقاء کیفیت سطح زندگی

۴- محیط‌زیست و توسعه پایدار

۵- توسعه فرهنگی

۶- توسعه مدیریت و ارتقاء تدابیر

۷- تعادل و توازن منطقه‌ای

نمونه آماری در این تحقیق شامل ۳۷۴ نفر از ساکنین روستاهای دهستان‌های بخش مرکزی ملارد بوده است. برای افزایش مشارکت مردمی در جهت ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی این دهستان (بر اساس پیشینه تحقیق و همچنین مشخصات محدوده) ۴ شاخص زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی - زیرساختی انتخاب شده است. برای هر کدام از این شاخص‌ها، گویه‌هایی تعریف و در نهایت در قالب یک پرسش‌نامه در اختیار جامعه نمونه قرار گرفته است تا به تناسب، ارزش و اهمیت هر کدام از عوامل را در افزایش مشارکت مردمی در جهت ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی را نشان دهد. بر اساس مدل SWOT موقعیت قرارگیری عوامل درونی و بیرونی در ماتریس ۹ خانه-

ای نشان می‌دهد که عوامل انتخاب شده برای افزایش مشارکت مردمی در جهت ارتقاء شاخص‌های زیست‌محیطی دهستان‌های بخش مرکزی ملارد از اثر متوسطی برخوردار هستند و علاوه بر این باید برای ارتقای وضعیت زیست‌محیطی راهبردهای تهاجمی را مورد توجه و در اولویت قرار داد. نتایج به دست آمده از آزمون t بیانگر تأثیر شاخص‌های زیست‌محیطی، اقتصادی، اجتماعی و کالبدی - زیرساختی بر مشارکت مردمی است.

پیشنهادها

بازیافت و استفاده مجدد از زباله از طریق قیمت دار کردن آن با توجه به افزایش روزافزون جمعیت و نیاز به توجه به محیط‌زیست.

ایجاد اشتغال از طریق بازیافت زباله‌ها که در این خصوص مؤسسات و دانشگاه‌ها می‌توانند در جمع‌آوری، مراقبت‌های بهداشتی و حفاظتی مواد زائد جامد، نظارت و همکاری داشته باشند.

تشویق و ترغیب بخش خصوصی برای خرید ماشین‌آلات و تجهیزات مورد نیاز جهت جمع‌آوری و تفکیک زباله‌های تولیدی در روستا.

فراهم آوردن ساختار آگاهانه، خود جوش و نهادینه شده مشارکت مردم از طریق انتقال دانش مربوطه و برنامه‌های آموزش رسمی و غیر رسمی.

References

- Abbaspour, Majid & Hassan Ahadi & Mahmoud Mahmoudi & Narges Kargari (2003), Assessing the cultural and psychological effects of short-term training courses on reducing energy consumption and environmental protection for the general public, *Science and Technology*, No. 19.
- Alawitabar, Alireza (2006), *Market Economics and Democracy*, Quarterly Journal, No. 5
- Amar, Timur (2014), An analysis of the environmental challenges of rural areas with an emphasis on solid waste (Case study: Anzali, Growth and Roudbar counties), *Journal of Rural Planning and Research*, Vol. 4, No. 3, Successive 11.
- Bahram Soltani, Kambiz (1992), *Urban Issues and Methods*, Urban Studies and Research Center.
- Bashirieh, Hussein (1995), History of Political Thoughts and Movements in the 20th Century, *Liberal-Democratic Thoughts*, Quarterly of Political-Economic Information, No. 95, 96.
- Environmental Protection Agency (2011), Secretariat of the Environmental Assessment Committee, environmental assessment reports.
- Golshiri esfahani, Zahra and Mohammad Hossein Sarai (2010), Strategic Planning of the Rural Environmental System by SWOT Analysis (Case Study: Wheat Bran, Borujen County), *Rural Research Journal*, No. 4.
- Gravavandi, Shahpar & Abdolhamid Papzan & Nasimil Afsharzadeh (2011), Modeling sustainable environmental development using basic theory (Case study: Shrovein village of Javanroud city), *Housing and environment of village*, No. 136.
- Hashemi Moghadam, Amir (2007), Reflections: Melard, Farang and History, *Quarterly Journal of the Month of History and Geography*, No. 118
- Matin, Nematollah (1998), Theoretical Foundations of Participation and Its Needs, *Journal of Jihad*, Nos. 214 and 215.
- Moazen Jami, Mohammad Hadi (1999), the Role of Public Participation in Social Strengthening, *Journal of Police Magazine*, No. 2.
- Mohammadi Ashnai, Mohammad Hossain & Ali Mohammadi ashnai & elham hasani (2008), Integration of Environmental Ethics with the Strategic Environmental Assessment Approach to Achieve Sustainable Development, *Ethics in Science and Technology*, Year 3, Issue 3 & 4.
- Mohammadi Ashnani, Mohammad Hossein & Ali Mohammadi ashnaey & elham hasani (2008), Proposal of Comparative Assessment and Environmental Planning Process for Sustainable Rural Development in Iran, *Village and Development*, 11, No. 1.

- Montegami, Forough (2005), Familiarity with Welfare States, Quarterly Journal of Business Review, No. 12
- Delavari, Abolfazl (2003), Citizenship of the City Government to Global Citizenship, Quarterly Journal of the Moon of Social Sciences, Nos. 67 and 68.
- Naderzad, bozorg(1996), Tocqueville, Reflection in Society and History, Bukhara Quarterly, No. 44.
- Rahimi, Hossein (2003), Investigating the Rural Environmental Role Effect on Sustainable Development, Peyk Nour, Year 1, Issue 3
- Rahnavard, Farajollah & Marzieh Mohebbi Daligani (2016), The effects of globalization on public administration in Iran, Journal of Governmental Administration (Tehran University), Vol. 8 - No. 3.
- Ramezani Ghavam Abadi, Mohammad Hussein (2013), Environmental protection in the constitutional rights of the Islamic Republic of Iran, Jurisprudence commentary quarterly, No. 63.
- Ranjbar, Mohammad & Alireza Stealaji (2016), The Role of Housing Improvement Credit on Improving the Economic Situation in Rural Areas (Case Study: Malard County), Shabak Quarterly, No. 8/3
- Rezaei, Abdul Ali (1996), Professional Groups, Civil Ethics and Democracy A Review of Emile Durkheim's Viewpoints, Political and Economic Information Quarterly, No. 105 & 106.
- Saeed Abadi, Zahra & Shahnaz Hashemi & Mohammad Soltanifar (2017), Environmentalists; Multiple Concepts in the Humanities, Strategic Quarterly, No. 83.
- Saeed Nia, Ahmad (2008), Green Book of Municipalities, Urban Research and Planning Center.
- Saeedi, Mohammad Reza (2003), Revenues for People's Participation and NGOs, Tehran: Publications.
- Shakouri, Ali (2008), Research in Development and Participation in Selected Villages in East Azarbaijan Province, Geographical Research, Vol. 31, No. 37

Latin references

- Hill M.J, Brateen R. 2005. "Multi-criteria decision analysis in spatial decision support: The ASSESS analytic hierarchi process and the rule of quantitative methods a spatially explicit. analsis". Environmental Modeling & Software.
- Oakley, P. et al. (1999), Projects with People: The Practice of Participation in Rural Development. Geneva: ILO.
- Sutton, Ph (2004), what is sustainability? Written for Eingana, the journal of the Victorian Association for Environmental Education, <http://www.green-innovations.asn.au/>. Theoretical and Empirical Researches in Urban Management. Vol, 6.
- E.A, Agwu, 2005, Development in Participation towards Attitude Peoples Rural, Development Rural of Journal, State Enugu in community NGWO of study A,Project, VOL 2. No, 2

Online references

- <http://abadmek.com>
- rdcir.ir
- <https://www.amar.org.ir>
- <http://abadmek.com>
- Google Earth